

# مفهوم سبک زندگی اسلامی از منظر آموزه‌های قرآن کریم<sup>۱</sup>

## چکیده:

سبک زندگی که از مسائل چالش برانگیز و بسیار مهمی است که اولین بار توسط آلفرد آدلر (۱۹۲۲) در روان‌شناسی مطرح شده، و امروزه همه ادیان الهی و حتی مکاتب بشری را به خود مشغول نموده است. همه مکاتب الهی و بشری، ادعای عرضه الگوی سبک زندگی برتر را دارند. بشر امروزی به موازات رشد تکنولوژی، در این آشفته بازار مکاتب، در سرگردانی و حیران به سر می‌برد. در این میان، اسلام به عنوان کامل‌ترین دین آسمانی با توجه به آیات گرانبهای قرآن کریم و سنت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) سبک زندگی نوینی را ارائه می‌کند تا انسان در پرتوی این سبک زندگی به رشد و تعالی ابدی دست یابد.

در این مقاله که به روش کتابخانه‌ای به جمع‌آوری مطالب پرداخته‌ایم، سعی شده است، که به بررسی مفهوم سبک زندگی اسلامی از منظر آیات قرآن کریم پرداخته شود. که بدین منظور ابتدا مفهوم ریشه لغوی و سپس مفهوم جامعه‌شناسی سبک زندگی بررسی می‌شود و در ادامه به بیان سبک زندگی اسلامی پرداخته و پس از آن با توجه به برخی از آیات قرآن کریم مفهومی جامع از سبک زندگی ارائه می‌شود.

با توجه مباحث ارائه شده نتیجه گرفتیم که آیات قرآن کریم با نشان دادن نمونه‌های عملی از قبیل ایمان آوردن به خدا، تقوا پیشه کردن، اعتقاد به معاد و مبدأ و پذیرش ولایت خداوند، عدل و احسان و توجه به بستگان و ....، بهترین سبک زندگی اسلامی را برای مسلمانان ترسیم می‌کند تا وسیله‌ی قرب الهی گردد.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، آموزه‌های قرآن کریم، علوم اجتماعی، سبک زندگی اسلامی، آلفرد آدلر، سبک.

---

<sup>۱</sup>. دکتر علی غضنفری، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم. ریحانه پورخلیلی، دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث،

## مقدمه:

موضوع سبک زندگی، تقریباً از آغاز قرن بیستم میلادی به حوزه‌های مختلف جامعه‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی وارد گشت. هر جامعه‌ای برای رشد خود نیاز به بهره‌گیری از الگوهای گوناگون رفتاری در سطوح مختلف می‌باشد، با توجه به غالب بودن دین مبین اسلام در تمامی جوامع بشری، سبک زندگی لازم است، با توجه به آیات قرآن کریم و روایات ائمه معصومین (ع)، نمایی اسلامی - قرآنی به خود بگیرد.

برای تحقیق و مطالعه در حوزه سبک زندگی قرآنی، موظف به روشن کردن معنای دقیقی از مفهوم سبک زندگی با استفاده از آیات قرآن کریم می‌باشیم. پرسش‌هایی که در این مقاله سعی می‌شود به آنها پاسخ داده شود، عبارتند از:

معنای لغوی «سبک» و «سبک زندگی» چه می‌باشد؟ آیا مفهوم «سبک زندگی» اصطلاحی است که خاص علوم اجتماعی می‌باشد؟ آیا کسانی که از این اصطلاح استفاده کرده‌اند مفهوم واحدی را مدنظر دارند؟ با توجه به موازین اسلامی، «سبک زندگی» چه معنایی را شامل می‌شود؟ آیا آیات قرآن کریم می‌توانند مفهومی از «سبک زندگی» را ارائه دهند؟

در این مقاله برای پاسخگویی به این مسائل، ابتدا به بررسی ریشه و لغت «Style» و ترکیب «Life Style» با استفاده از لغت‌نامه‌های معتبر پرداخته سپس با مراجعه به تعدادی از آثار جامعه‌شناسان معاصر و کلاسیک، تعریفی که آنها برای «سبک زندگی» ذکر کرده‌اند را ارائه می‌کنیم. در ادامه به بررسی مفهوم سبک زندگی اسلامی پرداخته و در پایان با توجه به مضمون و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم، مفهومی از این اصطلاح را ارائه می‌دهیم، و نتیجه می‌گیریم که با توجه به آیات قرآن کریم می‌توان به الگوی روشن و قابل قبولی که هادی انسان به سوی کمال و رشد و سعادت جاودانی است، دست یافت.

## مفهوم لغوی «سبک زندگی»

در زبان‌های مختلف از ترکیب «سبک زندگی» در اشکال مختلفی یاد شده، در زبان آلمانی «Lebensstil» و در گذشته در زبان انگلیسی شکل «Life Style» و «Style of Life/Living» و در زمان معاصر بیشتر به صورت «Life Style» استفاده شده است. این ترکیب از دو واژه «Style»<sup>۱</sup> و «Life»<sup>۲</sup> تشکیل شده است. معنای لغوی واژه «زندگی» واضح است اما در تعریف واژه «سبک» در لغت‌نامه‌ها، معانی گوناگونی بیان شده است.

Style از اصل لاتینی Stilus و فرانسوی Stylus است که به معنای اشیای نوک تیز فلزی بوده است. (American Heritage. ۲۰۰۰) امروزه این کلمه در زبان انگلیسی به سه معنا استعمال می‌شود:

۱- «نوع، روش، سبک اثاثیه» (Cambridge Dic. Online ۲۰۰۴) و «طریقه نوشتار و یا گفتار که در مقابل محتوا قرار دارد، طریقه انجام چیزی به خصوص زمانی که ویژگی یک هنرمند یا دوره هنری باشد.» (Oxford Advanced Learner's Dic. ۱۹۸۷).

۲- «روش و شیوه انجام چیزی به خصوص شیوه‌ای که برای فرد، گروهی از مردم، مکان یا دوره‌ای، است.» (Cambridge Dic. Online ۲۰۰۴).

۳- «مد، (Oxford Advanced Learner's Dic. ۱۹۸۷) رایج (Princeton Un. Dic. ۲۰۰۳).

در فرهنگ لاروس «Style» بدین معنا آمده است:

«سبک، مجموعه روش‌ها و طریقه‌هایی است که نویسندگان به آن وسیله از کلیه سرمایه‌های یک زبان برای بیان افکار و نیات و مافی‌الضمیر خود استفاده می‌کند و آنها را به کار می‌اندازد. انتخاب کلمات و طرز ادای مطلب که اغلب از قوانین دستور زبان سرپیچی می‌کند، «سبک» را تشکیل می‌دهد.» (Larousse du XXe Siecle T. ۶: ۴۹۷).

در زبان عربی واژه «سبک» از مصدر ثلاثی مجرد می‌باشد که در سه مورد معنا پیدا می‌کند:

الف) نقره را گداخت و در قالب ریخت<sup>۳</sup> (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۵، ص ۳۱۷؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۳، ص ۱۲۹؛ فیومی، ۱۴۱۴ ق، ج ۲، ص ۲۶۵؛ بستانی، ۱۳۷۵ ش، ص ۴۷۵)

ب) سخن را اصلاح و نیکو کرد<sup>۴</sup> (بستانی، ۱۳۷۵ ش، ص ۴۷۵)

ج) تجربه‌ها، وی را آزمود<sup>۵</sup> (بستانی، ۱۳۷۵ ش، ص ۴۷۵)

امروزه در زبان عربی از معادل «اسلوب» برای معنای سبک بهره می‌برند.<sup>۶</sup> و<sup>۷</sup> (طریحی، ۱۳۷۵ ش، ج ۲، ص ۸۳؛ صاحب‌بن‌عباد، ۱۴۱۴ ق، ج ۸، ص ۳۲۸)

اولین بار کلمه «سبک» در کتاب «الشعر و الشعراء» نوشته ابن‌قتیبه (متوفای ۲۷۰ هـ. ق) به معنای شیوه و روش در شعر به کار رفته است. (محبوب، ۱۳۷۶، ص ۳)

در مجموع ترکیب «سبک زندگی» در لغت‌نامه‌ها دو معنا به خود اختصاص داده است که عبارتند از:

۱- روش نوعی<sup>۸</sup> زندگی فرد، گروه یا فرهنگ (Webster Online Dic. ۲۰۰۴)، روش خاصی از زندگی یک شخص یا گروه (The Concise Oxford Dic. ۱۹۹۰)؛

۲- شیوه زندگی یا سبک زیستن که منعکس‌کننده گرایش‌ها و ارزش‌های یک فرد یا گروه است و همچنین عادات، نگرش‌ها، سلیقه‌ها، معیارهای اخلاقی، سطح اقتصادی و غیره که با هم، طرز زندگی کردن فرد یا گروهی را می‌سازند. (The Random. House Dic. Of The English Language, ۱۹۸۷).

### مفهوم سبک زندگی از دیدگاه جامعه‌شناسان

مفهوم سبک زندگی از منظر علوم اجتماعی در میان مفاهیمی که در این حوزه رایج است، بسیار مورد توجه و دقت صاحب‌نظران قرار گرفته است. این مفهوم در آغاز با مباحث طبقه و منزلت اجتماعی پیوند خورد. طرح علمی این موضوع برای نخستین بار در روان‌شناسی، توسط آلفرد آدلر (۱۹۲۲) بود و سپس پیروان او آن را گسترش دادند؛ آنها سبک زندگی را تعریف کردند، شکل‌گیری آن در دوران کودکی و نگرش‌های اصلی سبک زندگی و وظایف اصلی زندگی و ارتباط آنها با یکدیگر را مطرح کرده و آن را در قالب

درخت سبک زندگی نشان دادند، مفاهیم ارزشی و انسان‌شناختی و فلسفی را مطرح نموده و زندگی را به صورت یکپارچه و هماهنگ به نمایش گذاشتند.

زمیل در تعریف سبک زندگی می‌گوید: «سبک زندگی تجسم تلاش انسان است برای یافتن ارزش‌های بنیادی خود در فرهنگ عینی‌اش و شناساندن آن به دیگران؛ به عبارت دیگر، انسان برای معنای مورد نظر خود، صورت‌های رفتاری‌ای را برمی‌گزیند. زمیل، توان چنین گزینشی را «سلیقه» و این صور مرتبط به هم را «سبک زندگی» می‌نامد. (زمیل، ۱۹۲۲، ص ۳۱۴)

وبلن «سبک زندگی» فرد را تجلی رفتاری سازوکار روحی، عادات فکری و معرفت او قلمداد می‌کند. (وبلن، ۱۹۱۹، ص ۱۰۵)

وبر «سبک زندگی» را از جنس رفتار می‌داند که تمایلات، آن را هدایت می‌کند و فرصت‌های زندگی بستر بروز آن را فراهم می‌کند (هندری و دیگران، ۱۳۸۱، ص ۲۳۱-۲۳۲)

آدلر در مورد «سبک زندگی» بیان می‌دارد که سبک زندگی رفتار و منش نیست بلکه امریست که همه رفتارها و تجربیات انسانی را برای واحد هدایت می‌کند و خود به وسیله خوی‌ها و منش فردی شکل می‌گیرد. (آدلر، ۱۹۵۶، ص ۱۷۵)

بورديو «سبک زندگی» را فعالیت‌های نظام‌مندی می‌داند که از ذوق و سلیقه فرد ناشی می‌شوند و بیشتر جنبه عینی و خارجی دارند و در عین حال به صورت نمادین به فرد هویت می‌بخشند و میان اقصای مختلف اجتماعی تمایز ایجاد می‌کنند، به عبارتی ارزش‌های این فعالیت‌ها از موقعیت‌های آن در نظام تضادها و ارتباط‌ها اخذ می‌شود. (بورديو، ۱۹۸۴، ص ۱۷۳-۱۷۶)

تقریباً می‌توان نتیجه گرفت که دو مفهوم در تعریف سبک زندگی نهفته است؛ که هر دو مفهوم نیز به واژه «سبک» بازمی‌گردد: اول، مفهوم وحدت و دوم، مفهوم تمایز. به این معنی که سبک زندگی شامل مجموعه‌ای از عناصر می‌باشد که به صورت نظام‌مند با یکدیگر مرتبط بوده و یک مجموعه کل را به وجود می‌آورند. همین وحدت و هماهنگی و نظام‌مندی، این مجموع را از مجموع‌های دیگر متمایز می‌کند. وجود کلماتی همچون الگو، نظام‌مندی، کلیت، هویت و تمایز در تعریف‌ها نشانگر همین مطلب است. علاوه بر این مسئله، مفهوم دیگری که در اکثر تعاریف مورد توجه قرار گرفته است، کارکرد سبک زندگی است.

## مفهوم سبک زندگی اسلامی

اسلام، همه ابعاد زندگی را پوشش می‌دهد. دینی است که برای تمام مقاطع زندگی و در تمام شرایط تناسب دارد. هم متون دینی و هم روش استفاده و استنباط از متون دینی، زمینه‌ی پاسخگویی به هر مسئله و سؤال جدیدی را فراهم می‌آورند و محققان ابعاد مختلفی از اسلام را ارائه داده‌اند.

یکی از مسائلی که در جامعه امروز با تأکید مقام معظم رهبری، مورد توجه قرار گرفته است، سبک زندگی اسلامی - قرآنی می‌باشد، که باید با توجه با آموزه‌های اسلامی، این سبک زندگی را در جامعه پیاده نمود.

سبک زندگی از آن جهت که «سبک» می‌باشد، به رفتار و اعمال می‌پردازد و با شناخت‌ها و معارف و عواطف رابطه‌ای مستقیم ندارد، ولیکن از آن جهت که «اسلامی» است، توانایی عدم ارتباط با عواطف و معارف و شناخت‌ها را ندارد. در سبک زندگی اسلامی، عمق اعتقادات و عواطف فرد مورد ارزیابی قرار نمی‌گیرد بلکه رفتار و کردار و عملکردهای فرد مورد ارزیابی و سنجش قرار می‌گیرد.

با توجه به تعریفی که از سبک زندگی در علوم اجتماعی کردیم، در سبک زندگی فقط به رفتار توجه می‌شود، اما در سبک زندگی اسلامی علاوه بر اینکه بر رفتار تأکید می‌شود بر نیت افراد و عواطف و معارفی که پشتوانه رفتار قرار می‌گیرند، نیز توجه می‌شود.

اگر رفتار را سلسله‌ای از عوامل در نظر بگیریم در جامعه‌شناسی تنها به هر یک از رفتار بدون اینکه به دیگر اجزای این سلسله پرداخته می‌شود، توجه می‌گردد، ولیکن در سبک زندگی اسلامی نه تنها به خود اجزای آن سلسله عوامل، بلکه به آنچه که سبب ارتباط آنها با یکدیگر می‌شود و نیز به پل واسطه و ارتباطی میان آنها نیز توجه می‌گردد. به طور مثال در فریضه‌ی نماز، اگر اعتقاد به خدا و معاد وجود نداشته باشد، عملی اسلامی محسوب نمی‌شود، همان‌طور که بسیاری از رفتار مقدس‌مآبان، اسلامی نیست و تنها ظاهری اسلام‌گونه دارد.

هر چند، هر فرد در انتخاب سبک زندگی خود مختار است، اما آرمان‌هایی وجود دارند که اگر فرد آنها را بپذیرد، سایر اجزای سبک زندگی خود را نیز با آن هماهنگ و مرتبط می‌سازد، دین اسلام این دستورالعمل کلی می‌باشد که در صورت قبول و ایمان عملی به آن، فرد رفتارهای جزئی و خرد خود را نیز با آن مرتبط می‌سازد.

کسی که عبودیت و بندگی را مقصد حیات خود می‌بیند نمی‌تواند نسبت به چگونگی زندگی خود بی‌تفاوت باشد. بلکه همه شئون و مراتب زندگی خود را از نماز و عبادت تا کسب و کار و تحصیل و تفریح و معاشرت و بهداشت و خوراک و معماری و هنر و سخن گفتن و تولید و مصرف و آراستگی ظاهری و... در مسیر بندگی قرار می‌دهد. یعنی همه جزئیات زندگی خود را صبغه الهی می‌بخشد.

پس در نتیجه اسلامی بودن سبک زندگی به این معناست که سبک زندگی بستر ساز «عبودیت الهی» در حیات انسانی باشد. توحید صرفاً یک نظریه فلسفی و فکری نیست؛ بلکه یک روش زندگی برای انسان‌هاست، خدا را در زندگی خود حاکم کردن و دست قدرت‌های گوناگون را کوتاه کردن. لااله الا الله که پیام اصلی پیغمبر ما و همه پیغمبران است، به معنای این است که در زندگی و در مسیر انسان و در انتخاب روش‌های زندگی، قدرت‌های طاغوتی و شیطان‌ها نباید دخالت کنند. اگر توحید در زندگی جامعه بشری تحقق پیدا کند، دنیای بشر هم آباد خواهد شد؛ دنیایی در خدمت تکامل و تعالی انسان.» (طباطبایی، ج ۶، ص ۲۵۸)

### **سبک زندگی اسلامی از دیدگاه قرآن کریم**

یکی از اهداف قرآن مجید با دستورات و قوانین سازنده و مفید خود، این است که سبک زندگی را تعلیم دهد، قوانینی که با عمل کردن به آن می‌توانیم به قله سعادت و خوشبختی دست پیدا کنیم.

کلیت و هدف سبک زندگی اسلامی عبارت است از یک معرفت و تعبد بسیار متعالی که باعث قرب الی الله است که در پناه اسلام و آیات آموزنده قرآن کریم حاصل می‌شود. این کلیت و هدف در مقام باور و عمل، یک پیوستار بزرگ است.

مفاهیم اسلامی دربرگیرنده ساختار و عملکردی نظام‌مند و دارای حدود و مرز است، که باعث تمایز بین خود و غیر خود می‌شود. در مقام بیان، هر قاعده کلی، نمایانگر مرز و حدود آن می‌باشد. هر کدام از مسائل اقتصاد، سیاست، اخلاق، تعلیم و تربیت، فقه و کلام و ... در این کل، یک سیستم فرعی به حساب می‌آیند.

تولیدکننده و ضامن اولیه اطلاعات این قواعد و سیستم‌های کلی و فرعی، قرآن کریم و اهل بیت عترت (ع) است و به کارگیرندگان این قواعد و قوانین مسلمانان و جوامع اسلامی می‌باشد. این سیستم‌ها و قواعد برای رسیدن به حد اعلای خود دارای مقصد و انگیزه‌هایی هستند که به طور نیروی محرکی می‌باشد و انسان‌ها را سوق به سوی این قواعد می‌دهد.

یکی از این انگیزه‌ها سبک زندگی می‌باشد که این انگیزه با توجه به آیه «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ؛ در نیکی‌ها و اعمال خیر، بر یکدیگر سبقت جویید» (بقره، آیه ۱۴۸) باعث ایجاد مسابقه و رقابت در امور فردی و اجتماعی مطلوب می‌شود. با توجه به این موضوع که دنیا دار امتحان و آزمون می‌باشد<sup>۹</sup> و انسان باید توشه‌ی خود را از تقوا و پاکی آکنده کند تا در قیامت به بهترین جایگاه برسد، در زندگی ارزش‌ها و غیرارزش‌هایی مطرح می‌شوند که با نزدیک شدن به این ارزش‌ها و مطلوب‌ها می‌توان به زندگی پایدار و ضامن شده دست یافت.

سبک زندگی اسلامی در لابه‌لای آیات قرآن کریم نهفته است، که با شناسایی هنجارها و ارزش‌ها و ناهنجارها و ضدارزش‌هایی که آیات قرآن به آنها اشاره می‌کند، می‌توان این سبک را شناسایی کرد در ادامه به صورت فهرست‌وار برخی از این آیات را همراه بیان مضمون و تفسیر کوتاهی از آنها بیان می‌داریم.

بعضی از هنجارهایی که در قرآن بیان شده است عبارتند از:

- ایمان آوردن مؤمنان به خدا: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ءَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَي رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رَسُولِهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خدا و پیامبرش، و کتابی که بر او نازل کرده، و کتب (آسمانی) که پیش از این فرستاده است، ایمان (واقعی) بیاورید کسی که خدا و فرشتگان او و کتاب‌ها و پیامبرانش و روز واپسین را انکار کند، در گمراهی دور و درازی افتاده است.» (نساء، آیه ۱۳۶).

یکی از جهاتی که در سبک زندگی اسلامی اهمیت دارد، این نکته است که اسلام و سبک زندگی اسلامی، به صورت همه یا هیچ نیست. بلکه یک پیوستار بزرگ است که مراتب پایین و مراتب بسیار بالا دارد؛ بسیاری از درجات ایمان و ویژگی‌های مؤمنان آن‌قدر روشن است که حتی در کلام الهی و روایات نیز وارد نشده است، یکی از آیاتی که پیوستاری اسلام و سبک زندگی اسلامی را می‌رساند آید ۱۳۶ سوره نساء می‌باشد. خداوند به ایمان‌آوردندگان، امر به ایمان آوردن می‌کند که این نکته اشاره به مراتب ایمان دارد.

در تفسیر این آیه آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ای کسانی که با ایمان عام و بیعت با دست محمد (ص) و قبول دعوت ظاهری ایمان آورده‌اید. آمَنُوا با ایمان خاص و بیعت ولوی و قبول دعوت باطنی نیز ایمان بیاورید؛ زیرا که اسلام که عبارت است از بیعت عام نبوی و گرفتن میثاق بر اعطای احکام قالبی و توبه به دست محمد (ص) گاهی ایمان نامیده می‌شود، چون اسلام طریق به سوی ایمان و سبب حصول آن است و ایمان حقیقی آن بیعت ولوی و توبه به دست علی (ع) یا به دست محمد (ص) از جهت ولویت او و اخذ میثاق بر اعطای احکام قلب و ادخال ایمان در قلب است، لذا در انکار ایمان کسانی که مدعی ایمان هستند فرمود: «وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ؛ و هنوز ایمان در قلب شما داخل نشده است (حجرات، آیه ۱۴)». بنابراین برای تفسیر این آیه احتیاجی به تکلفات دور که برخی از مفسرین مرتکب آن شده‌اند، نیست.» (گنابادی، ۱۴۰۸ ق، ج ۲، ص ۵۹).

روایات نیز صرف ورود به ایمان را کافی نمی‌دانند، بلکه ایمان را دارای درجاتی می‌دانند که با پیمودن آنها بر کمال هر فرد، افزوده می‌شود. امام صادق (ع) خطاب به عبدالعزیز می‌فرمایند: «ایمان همچون نردبانی است که ده پله دارد و پله‌ها یکی پس از دیگری پیموده می‌شود»<sup>۱</sup> (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۴۵).

در اینجا با کمی دقت مشخص می‌شود که در این آیه سبک زندگی اسلامی با توجه به علم جامعه‌شناسی معنا شده است، کسانی که ایمان آورده و مورد خطاب هستند به طور ظاهری ایمان آورده و تنها رفتار آنها مورد نظر است که همان سبک زندگی از دیدگاه علوم اجتماعی می‌باشد و زمانی که خطاب می‌شود ایمان آوردید نظر به نیت و خواست درونی و باطنی است که معنای سبک زندگی اسلامی را می‌رساند.

– اعتقاد به مبدأ و معاد و پذیرش ولایت خداوند: «وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِأَعْدَائِكُمْ وَكَفَى بِاللَّهِ وَلِيًّا وَكَفَى بِاللَّهِ نَصِيرًا؛ خدا به دشمنان شما آگاه‌تر است (ولی آنها زبانی به شما نمی‌رسانند.) و کافی است که خدا ولی شما باشد و کافی است که خدا یاور شما باشد.» (نساء، آیه ۴۵).

در این آیه کریمه نیز دو موضوع تذکر داده شد:

اول اینکه: خداوند متعال که عالم و قادر و محیط نامتناهی و مهربان به بندگان مؤمن خود است، و برای همیشه ولایت به آنان داشته و هر گونه از امور زندگی مادی و روحانی آنان را تأمین می‌کند؛ لازمست بندگان او نیز توجه به این امر پیدا کرده، و در همه حال مطیع اوامر او شده، و کوچک‌ترین نافرمانی در مقابل او نداشته باشند.

دوم اینکه: توجه پیدا کنند که دشمنان حقیقی آنان، افرادی هستند که از لحاظ برنامه الهی و سیر روحانی مخالف آنها بوده، و پیوسته در فکر آزار و تجاوز به حقوق آنان باشند، و هرگز موافق نشوند که با چنین افرادی از هر ملتی باشند بخ صلح و صفا و سازش کنند. و خداوند متعال از هر جهت کفایت‌کننده بوده، و هیچ‌گونه حاجتی بیاری و ولایت دیگران که مخالفند، نخواهد بود. (مصطفوی، ۱۳۸۰ ش، ج ۵، ص ۴۰۰).

– عدل و احسان و توجه به بستگان و نهی از فحشا و منکرات در شرایط خاص: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَايَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبُغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (۹۰)؛ خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد و از فحشا و منکر و ستم، نهی می‌کند خداوند به شما اندرز می‌دهد، شاید متذکر شوید! (۹۰)» (نحل، آیه ۹۰).

جامعه انسانی که گوشه کوچکی از این عالم پهناور است نمی‌تواند از قانون عالم، بر کنار باشد، و بدون عدل به حیات سالم خود ادامه دهد. عدل به معنی واقعی کلمه آنست که هر چیزی در جای خود باشد، بنابراین هر گونه انحراف، افراط، تفریط، تجاوز از حد، تجاوز به حقوق دیگران بر خلاف اصل عدل است.

یک انسان سالم کسی است که تمام دستگاه‌های بدن او هر یک کار خودش را بدون کم و زیاد انجام دهد، اما به محض اینکه یک یا چند دستگاه در انجام وظیفه کوتاهی کرد یا در مسیر تجاوز گام نهاد، فوراً آثار اختلال در تمام بدن نمایان می‌شود، و بیماری حتمی است.

کل جامعه انسانی نیز همانند بدن یک انسان است، که بدون رعایت اصل عدالت، بیمار خواهد بود. اما از آنجا که عدالت با همه قدرت و شکوه و تأثیر عمیقش در مواقع بحرانی و استثنایی به تنهایی کارساز نیست، بلافاصله دستور به احسان را پشت سر آن می‌آورد.

به تعبیر روشن‌تر در طول زندگی انسان‌ها مواقع حساسی پیش می‌آید که حل مشکلات به کمک اصل عدالت به تنهایی امکان‌پذیر نیست، بلکه نیاز به ایثار و گذشت و فداکاری دارد، که با استفاده از اصل «احسان» باید تحقق یابد.

اما مسأله نیکی به نزدیکان، در واقع بخشی از مسأله احسان است با این تفاوت که احسان در کل جامعه است، و اِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى در خصوص خویشاوندان و بستگان که جامعه کوچک محسوب می‌شود، و با توجه به اینکه جامعه بزرگ از جامعه کوچک‌تر یعنی جامعه فامیلی ترکیب شده، هر گاه، این واحدهای کوچک‌تر از انسجام بیشتری برخوردار گردند، اثر آن در کل جامعه ظاهر می‌شود، و در واقع وظائف و مسئولیت‌ها به صورت صحیحی در میان مردم تقسیم می‌گردد، چرا که هر گروه در درجه اول به ضعفای بستگان خود می‌پردازد، و از این طریق همه این گونه اشخاص زیر پوشش حمایت نزدیکان خود قرار می‌گیرند.

در بعضی از احادیث اسلامی می‌خوانیم که منظور از ذی‌القربی، نزدیکان پیامبر یعنی امامان اهل بیتند، و منظور از اِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى، اداء خمس می‌باشد. این تفسیر هرگز نمی‌خواهد مفهوم آیه را محدود کند، بلکه هیچ مانعی ندارد آیه به مفهوم وسیعش باقی باشد و این قسمت نیز یکی از مصادیق روشن آن مفهوم عام محسوب گردد.

بلکه اگر ما «ذی‌القربی» را به معنی مطلق نزدیکان اعم از نزدیکان در فامیل و نسب و یا نزدیکان دیگر بدانیم، آیه مفهوم وسیع‌تری پیدا می‌کند که حتی همسایگان و دوستان و مانند آن را شامل می‌شود (هر چند معروف در معنی ذی‌القربی، خویشاوندان است) مسأله کمک به جامعه‌های کوچک (یعنی بستگان و خویشاوندان) از آن نظر که از پشتوانه عاطفی نیرومندی برخوردار است، از ضمانت اجرایی بیشتری بهره‌مند خواهد بود.

در این آیه شریفه بعد از تکمیل این سه اصل مثبت به سه اصل منفی و منهی می‌پردازد و می‌گوید: «خداوند از فحشاء و منکر و بغی، نهی می‌کند» (وَيَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ). پیرامون این تعبیرات سه گانه «فحشاء»، «منکر» و «بغی» نیز مفسران سخن بسیار گفته‌اند، اما آنچه مناسب‌تر با معنی لغوی و قرینه مقابله این صفات با یکدیگر به نظر می‌رسد آنست که «فحشاء» اشاره به گناهان پنهانی «منکر» اشاره به گناهان آشکار، و بغی، هر گونه تجاوز از حق خویش و ظلم و خود برتری‌بینی نسبت به دیگران است.

خداوند متعال، در پایان آیه، به عنوان تأکید مجدد روی تمام این اصول شش گانه می‌فرماید: «خداوند به شما اندرز می‌دهد شاید متذکر شوید.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۱، ص ۳۶۶ - ۳۷۱).

– نماز خواندن و صبوری کردن: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ؛ ای افرادی که ایمان آورده‌اید! از صبر (و استقامت) و نماز، کمک بگیرید! (زیرا) خداوند با صابران است.» (بقره، آیه ۱۵۳).

با توجه به آیات قرآن کریم و اختصاصاً این آیه شریفه، صبر از بزرگترین ملکات و احوالی است که قرآن آن را ستوده و مکرر امر بدان نموده است، تا به جایی که قریب به هفتاد مورد شده، حتی درباره‌اش فرموده: «إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ؛ این صبر از کارهای بس مهم است» (لقمان، آیه ۱۷) و نیز فرموده: «وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ؛ این اندرز را نمی‌پذیرد مگر کسانی که صبر کنند و نمی‌پذیرد، مگر صاحب بهره‌ای عظیم» (فصلت، آیه ۳۵) و نیز فرموده: «إِنَّمَا يُوفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ؛ تنها



صابرانند که بدون حساب اجرشان به تمام داده می‌شود.» (زمر، آیه ۱۰) در این آیه به نماز نیز اشاره شده است، نماز از بزرگترین عبادت‌هایی است که قرآن بر آن تاکید بسیار دارد، حتی درباره‌اش فرموده: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ؛ نماز انسان را از فحشاء و منکر بازمی‌دارد»، (عنکبوت، آیه ۴۵) و در قرآن کریم درباره هر امری سفارش می‌کند، در صدر آن نماز را توصیه می‌کند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۵۱۸) و در پایان بیان می‌دارد که خداوند با صابران است که معنای همراهی در این آیه با توجه به حدیث «الصبر مفتاح الفرج» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۰، ص ۵۰۷) به معنای همراهی است.

– شهادت در راه خدا: «وَلَا تَقُولُوا لِمَن يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَٰكِن لَّا تَشْعُرُونَ؛ و به آنها که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده نگویید! بلکه آنان زنده‌اند، ولی شما نمی‌فهمید!» (بقره، آیه ۱۵۴).

این آیه در باره کشته‌شدگان میدان جنگ بدر نازل گردید، آنها چهارده تن بودند، شش نفر از مهاجران، و هشت نفر از انصار، بعد از پایان جنگ عده‌ای تعبیر می‌کردند فلان کس مرد، آیه نازل شد و با صراحت آنها را از اطلاق کلمه «میت» بر شهیدان نهی کرد. (بیضاوی، ۱۴۱۸ ق، ج ۱، ص ۱۱۴) و فرمود که شهیدان زنده هستند و زندگی و حیات واقعی، در آخرت می‌باشد و در بهشت سکنی گزیده‌اند (بلخی، ۱۴۲۳ ق، ج ۱، ص ۱۵۱) و تنها آنها از زندگی بشری به زندگی روحانی انتقال داده شده‌اند. (ابن‌عجیبه، ۱۴۱۹ ق، ج ۱، ص ۱۸۵).

ابن‌عباس و قتاده و مجاهد و حسن و عمرو بن عبید و اصل بن عطا می‌گویند: مراد این است که آنان نمرده‌اند و در حقیقت تا روز قیامت زنده می‌باشند جبائی و رمانی و جمیع مفسرین همین قول را اختیار کرده‌اند و صحیح هم همین است. علت اینکه حیات بعد از مرگ در این آیه به شهدا تخصیص داده شده است با اینکه در واقع این موضوع اختصاص به آنها ندارد این است که بشارتی به بازماندگان آنان و سایر مؤمنین (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۱، ص ۴۳۳) تا بدین وسیله رهنمونی به سوی زندگی واقعی برای آنها باشد.

برخی از ناهنجارها و ضد ارزش‌هایی که در آیات قرآن کریم بیان شده است عبارتند از:

– اسراف و تبذیر: «إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا؛ تبذیرکنندگان، برادران شیاطینند و شیطان در برابر پروردگارش، بسیار ناسپاس بود!» (اسراء، آیه ۲۷).

کلمه‌ی «اخ» در عربی هم به معنای برادر، هم به معنای ملازم و همراه می‌باشد. مثل «اخوالسفر» به کسی که پیوسته در سفر است، و «اخوالکرم» که به انسان کریم گفته می‌شود. برادری گاهی نسبی است، گاهی مسلکی و مرامی اسرافکاران برادران مسلکی شیطانند. «إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ» یعنی کسانی که در مسیر شیطان و همراه اویند. در قرآن، پیوسته از وسوسه یا ولایت شیطان بر افراد، سخن به میان آمده است، اما تنها موردی که «إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ» آمده این آیه است، یعنی اسرافکاران همکار شیطانند، نه تحت امر او. پس کار از وسوسه شدن گذشته و به مرحله‌ی همکاری و معاونت رسیده است. چنان که در جای دیگر آمده است: «وَمَنْ يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِيضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ» (زخرف، آیه ۳۶) «تبذیر»، گرچه بیشتر در مسائل مالی است، ولی در مورد نعمت‌های دیگر نیز وجود دارد، مانند هدر دادن عمر و جوانی، به کار گرفتن فکر، چشم، گوش و زبان در راه ناصحیح، سپردن مسئولیت‌ها به افراد ناصالح، پذیرش مسئولیت بدون داشتن لیاقت و بیش از حد توان و ظرفیت، آموزش و آموختن مطالب غیر ضروری و غیر مفید و امثال اینها. مرویست که کفار عرب معظم اموال خود را به ریا خرج می‌کردند و جهت یک مهمان شتران متعدده ذبح می‌کردند تا مردمان ستایش

سخاوت ایشان کنند حق تعالی ایشان را نکوهش فرمود که در تزییع اموال امثال شیاطین هستند. (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۰، ص ۳۲۹).

- نو میدی از رحمت خدا: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِيَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْأَثَمِ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ و اموال یکدیگر را به باطل (و ناحق) در میان خود نخورید! و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه، (قسمتی از) آن را (به عنوان رشوه) به قضات ندهید، در حالی که می‌دانید (این کار، گناه است)» (بقره، آیه ۱۸۸).

در تفسیر این آیه به نقل از اسفرائینی آمده است:

«ابن حیّان گوید که نزول این آیه درباره امرء القیس بن عابس الکنندی و عبدان بن أشوع الحضرمی بوده است که ایشان خصومت همی کردند در مورد زمین، امرء القیس خواست که سوگند خورد، خداوند فرو فرستاد: «إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ» (آل عمران، آیه ۷۷) پیغمبر آن را بر وی خواند. وی سوگند نخورد و خصومت بگذاشت. و عبدان را گفت: تو دانی با زمین. خداوند تعالی این آیت فرو فرستاد بر آن معنی که مال یکدیگر فرا مگیرید بر وجهی باطل که خداوند - عزّ و جلّ - مباح نکرده باشد.

ابو هریره روایت کند از پیغمبر - صلعم - که وی گفت: من چون شما بشری‌ام، بود که شما نزدیک من آید خصومت کنید، و برخی از شما غلبه کنید دیگری را به حجّت، من وی را حکم کنم، هر که من وی را حکم کنم به چیزی از حقّ برادر وی، آن پاره‌ای از دوزخ است که من وی را همی ببرم.

و بدان که: شریح القاضی گفتی خصمی را - که وی را حکم کردی - که: من تو را حکم همی کنم «۴» و همی پندارم که تو ظالمی، و مرا نشاید که تو را حکم کنم پس از آن که بی‌نتی آوردی نزدیک من، و لیکن بدان که حکم من حلال «۵» نکند تو را آنچه حرام بود بر تو.» (اسفرائینی، ۱۳۷۵ ش، ج ۱، ص ۱۹۹).

با توجه به این آیه شریفه می‌توان گفت: جامعه وقتی سالم می‌شود که روابط اقتصادی در آن سالم باشد و اگر در میان مردم فساد مالی حاکم گردد به تباهی جامعه منجر می‌شود مخصوصاً اگر فساد مالی در میان طبقه حاکم جامعه مانند کارگزاران دولتی و قاضیان و والیان شایع شود، موجب فساد عمومی و تباهی فراگیر در جامعه می‌شود.

برای حفظ سلامت جامعه از فساد مالی، قرآن کریم در این آیه دستور می‌دهد که اموال خود را میان خود به باطل نخورید و به قاضیان رشوه ندهید که حق را باطل کنند و شما اموال مردم را به ناحق بخورید در حالی که خود می‌دانید که ناحق است. در این آیه نخست به صورت کلی از فساد مالی نهی می‌کند زیرا اکل مال به باطل شامل تمام اموالی است که به طور نامشروع به دست آید چه از طریق ربا و چه از طریق معاملات باطل و چه از طریق غصب و چه از طریق قمار و یا راه‌های دیگر ولی در میان اینها یک مورد را به خصوص نام می‌برد و آن رشوه‌خواری است که بالای خانمان‌سوز در اجتماع بشری است و در هر جامعه‌ای ریشه بدواند، بدبختی بزرگی را دامنگیر آن جامعه می‌سازد.

- پیروی هوای نفس: «أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ؛ آیا دیدی کسی را که هوای نفسش را معبود خود برگزیده است؟» (فرقان، آیه ۴۳).

پرستش خواهش‌ها و هواهای نفسانی پایه کفر انسان است؛ زیرا در آن حال مقیاسش در ارزیابی زندگی شهوت‌های او (یعنی دوستی و دشمنی او) خواهد بود نه دانش و خردش، از آنجا که فلان نزد او محبوب است پس خوب است و افکارش درست است و از این رو از او پیروی می‌کند، و از آنجا که فلان مورد تنفر اوست، پس پلید است و تمام افکارش خطا و رفتارش منحرف است.

پایه پیوستگی و وابستگی و طرفداری در جهان امروز ما بر دوستی و دشمنی قرار دارد نه بر خرد و دانش، و سیاستمداران و طرفداران فرهنگ جاهلیت دانسته‌اند که کلید شخصیت جامعه جاهلی همان دوستی و دشمنی است. پس کوشیدند که افکار خطای خود را چنان زرق و برق دهند که شهوت‌هایشان را برانگیزد، و توان ارزیابی افکار مردم را پریشان کردند، و آنان را طوری کردند که بی‌اختیار پشت سر هر مجله‌ای که عکس‌های تحریک‌کننده را منتشر می‌کند بدونند، و از دستگاه‌هایی تبلیغاتی پیروی کنند که ساز و آواز و رقص و تصاویر دلربا و چیزهایی را پخش می‌کنند که شهوت جنسی یا تسلط جویی یا خوراک و ... و ... را بر می‌انگیزد.

این موارد تنها قسمت کوچکی از تعالیم و آموزه‌های قرآن کریم است که راهگشا و نمایانگر سبک زندگی اسلامی می‌باشد. فرد مختار است و مسئولیت رفتار و کردار خود را دارد و در رفتار اختیاری، نیت فرد بسیار بااهمیت است اگر فردی نیت غیرصحیح داشته و رفتاری را انجام دهد، دچار آسیب می‌شود.

## نتیجه گیری:

۱- سبک زندگی حاکی از مجموعه عوامل و عناصری است که کم و بیش به طور نظام‌مند با هم ارتباط داشته و یک شاکله کلی فرهنگی و اجتماعی را پدید می‌آورند.

۲- الگوها و مدل‌های متمایز و متفاوتی در سبک زندگی وجود دارد، اما آن چه در تعریف‌های سبک زندگی، جلوه‌گر می‌شود آن است که این تعریف قرابت بسیاری با مفهوم هویت پیدا می‌کند، با این تفاوت که علاوه بر هویت، مناسبات و رفتارهای عینی و واقعی زندگی را نیز شامل می‌شود.

۳- مفهوم سبک زندگی با اینکه اولین بار در علوم اجتماعی نمودار گشت، اما با توجه به نیازهای انسان به رشد و تعالی، این مفهوم در علوم اسلامی نیز راه پیدا کرده است.

۴- در معنا و مفهوم سبک زندگی هم در علوم اجتماعی و هم در علوم اسلامی موضوعی که مد نظر می‌باشد رفتار است، اما با این تفاوت که در سبک زندگی از دیدگاه علوم اجتماعی تنها ظواهر مورد نظر است، اما در علوم اسلامی علاوه بر ظواهر، باطن و نیت اعمال نیز را درگیر می‌کند.

۵- با توجه به موازین و الگوهای اسلامی سبک زندگی اسلامی عبارت است از اینکه عبودیت خداوند را محور قرار داده تا برای رسیدن به این هدف، تلاش و سعی شود. سبک زندگی اسلامی مفهومی است که به رفتار می‌پردازد و با شناخت و نیت افراد و عواطف نیز در ارتباط مستقیم است و بدون این مؤلفه‌ها نمی‌توان به سبک زندگی اسلامی دست یافت.

۶- آیات قرآن کریم با نشان دادن نمونه‌های عملی از قبیل ایمان آوردن به خدا، تقوا پیشه کردن، اعتقاد به معاد و مبدأ و پذیرش ولایت خداوند، عدل و احسان و توجه به بستگان و ....، بهترین سبک زندگی اسلامی را برای مسلمانان ترسیم می‌کند تا وسیله‌ی قرب الهی گردد.

## منابع:

- ۱- قرآن کریم (بی تا)، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم: دارالقرآن کریم.
- ۲- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله (۱۴۰۴ ق)، شرح نهج البلاغة لابن ابی الحدید، قم: مکتبه آیة الله المرعشی النجفی، ج ۲۰.
- ۳- ابن فارس، أحمد بن فارس، (۱۴۰۴) معجم المقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ج ۳.
- ۴- ابن عجیبه احمد بن محمد (۱۴۱۹ق)، البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، قاهره: دکتر حسن عباس زکی، ج ۱.
- ۵- اسفرائینی ابوالمظفر شاهفور بن طاهر (۱۳۷۵ ش)، تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۱.
- ۶- بستانی، فؤاد افرام / مهیار، رضا (۱۳۷۵ ش)، فرهنگ ابجدی، تهران: انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
- ۷- بلخی مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ ق)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت: دار احیاء التراث، ج ۱.
- ۸- بیضاوی عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ ق)، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۱.
- ۹- صاحب بن عباد، إسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ ق)، المحيط فی اللغة، بیروت: عالم الكتاب، ج ۸.
- ۱۰- طباطبایی سید محمد حسین (۱۴۱۷ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعهی مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۱ و ۶.
- ۱۱- طبرسی فضل بن حسن (۱۳۷۷ ش)، تفسیر جوامع الجامع، تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، ج ۱.
- ۱۲- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵ ش)، مجمع البحرین، تهران: مرتضوی، ج ۲.
- ۱۳- فخرالدین رازی ابوعبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰ ق)، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ج ۲۰.
- ۱۴- فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۰۹ ق)، کتاب العین، قم: نشر هجرت، چاپ دوم، ج ۵.
- ۱۵- فیومی، أحمد بن محمد (۱۴۱۴ ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم: مؤسسه دارالهجرة، چاپ دوم، ج ۲.
- ۱۶- کاویانی، محمد (۱۳۹۱ ش)، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۱۷- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ج ۲.
- ۱۸- گنابادی سلطان محمد (۱۴۰۸ ق)، تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ج ۲.

- ۱۹- محبوب، محمدجعفر (۱۳۴۵ ش)، سبک خراسانی در شعر فارسی، تهران: دانشسرای عالی.
- ۲۰- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۵.
- ۲۱- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ ش)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ج ۱۱.
- ۲۲- مهدوی کنی، محمدسعید (۱۳۸۶)، دین و سبک زندگی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ سوم.
- ۲۳- هاشمی، علی اکبر (۱۳۸۳)، بررسی سبک جدیدی از زندگی، تهران: علی اکبر هاشمی.
- ۲۴- هندری، لئو بی و دیگران (۱۳۸۱ ش)، اوقات فراغت و سبک‌های زندگی جوانان، ترجمه: فرامرز ککولی دزفولی و مرتضی ملانظر، تهران: نسل سوم.

### منابع لاتین:

- ۱- Adler, Alfred (۱۹۵۶), The Individual Psychology of Alfred Adler, New York: Basic Books Inc.
- ۲- American Heritage Dic. (۲۰۰۰).
- ۳- Bourdieu, Pierre (۱۹۹۳), Sociology in Question (Trans), Richard Nice, London, Sage.
- ۴- Cambridge Dic. Online (۲۰۰۴).
- ۵- Oxford Advanced Learner's Dic (۱۹۸۷), Oxford, Oxford Un. Press.
- ۶- Princeton Un. Dic. (۲۰۰۳), Princeton Un.
- ۷- Simmel, George (۱۹۲۲), Soziologie, Munchen und Leipzig, Duncker und Hamblot.
- ۸- The Concise Oxford Dic. (۱۹۹۰), Oxford, Oxford Un.
- ۹- The Random House Dic. Of the English Language (۱۹۸۷).
- ۱۰- Veblen, Thorstein (۱۹۱۹), The Vested Interests and State of The Industrial Arts, New York: B. W. Huebsch.
- ۱۱- Webster Online, Dic. (۲۰۰۴).

## پی نوشت:

<sup>۱</sup> . سبک.

<sup>۲</sup> . زندگی.

<sup>۳</sup> . «سَبَّكَ - سَبَّكَ الْفِضَّةُ»

<sup>۴</sup> . «سَبَّكَ - سَبَّكَ الْكَلَامُ»

<sup>۵</sup> . «سَبَّكَهُ التَّجَارِبُ»

<sup>۶</sup> . «الْأُسْلُوبُ بِضَمِّ الْهَمْزَةِ: الطَّرِيقُ وَ الْفَنُّ»

<sup>۷</sup> . «أُسْلُوبُ: الطَّرِيقُ وَ الْمَذْهَبُ»

<sup>۸</sup> . Typical .

<sup>۹</sup> . «وَلْتَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ: قَطْعًا هَمَّهُ شَمَا رَا بَا چیزی آزمايش می کنیم». بقره، آیه ۱۵۵.

<sup>۱۰</sup> . «مُحَمَّدٌ بْنُ يُحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَمَّادِ الْخَزَّازِ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْقَرَّاطِيِّ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ يَا عَبْدَ الْعَزِيزِ إِنَّ الْإِيمَانَ عَشْرُ دَرَجَاتٍ بِمَنْزِلَةِ السَّلْمِ يُصْعَدُ مِنْهُ مَرَقَاةٌ بَعْدَ مَرَقَاةٍ...»